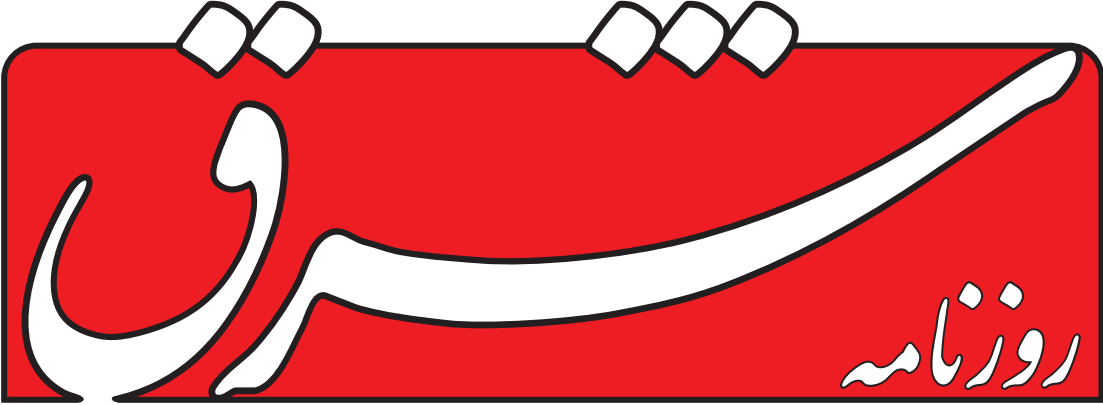


نمایندگان مجلس و فعالان بازار می گویند پشت پرده کمبود داروهای اساسی، فساد شرکت‌های دولتی است

## معمای کمبود آنتی بیوتیک

دارو نیست؛ آن هم یکی از اساسی‌ترین اقلام دارویی یعنی چرک خشک‌کن‌ها و...؛ درست در فصول سرد سال که شیوع آنفلوآنزا کشته بر جای گذاشته و کرونا همچنان می تازد و بیماری بلا می‌گیرد. کمبود انواع دارو و به‌ویژه آنتی بیوتیک‌ها پای وزیر بهداشت را تا بهارستان کشید، اما او نتوانست نمایندگان مجلس را قانع کند...

صفحه ۴



پنجشنبه ۳ آذر ۱۴۰۱ • ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۲۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** نوازی فرهنگی و تغییر مفهوم هویت ایرانی، دعوت استادان روزنامه‌نگاری برای حضور در مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و **یادداشت‌هایی از مهدی افشار**، عبدالله مصطفایی، گلناز روستایی

### سرمقاله

### تیم ملی «ما»



سیدمصطفی هاشمی طبا

سؤالی که این روزها مطرح است، آن است که چرا تیم ملی فوتبال کشورمان از تیم ملی انگلستان شکست این چنین سنگینی خورده است و آیا این تیم نمی‌توانست نتیجه بهتری کسب کند و حتی مثل عربستان که آرژانتین را شکست داد، پیروز میدان باشد. پاسخ این است که حتی پیروزی ممکن بود، همان‌گونه که در لیگ اروپا، چند ماه قبل مجارستان همین تیم پرستار انگلستان را با شکست چهار بر صفر بدرقه کرد، مطمئنا تیم ملی مجارستان برتر از تیم ملی ما نیست. سؤال را می‌توان به شکل دیگری مطرح کرد. چرا باید تیم ملی‌مان در این مسابقه پیروز می‌شد؟ تیم ملی و فوتبالی که در طول سال ۱۴۰۱ به هر بلایی دچار شد.

۱- نخست مجمع فدراسیون فوتبال در اجلاس گذشته ضمن تعیین سرپرست، تاریخ انتخابات را شهریورماه ۱۴۰۱ تعیین کرد؛ یعنی دو ماه مانده به مسابقات جام جهانی و این بدترین تاریخ ممکن بود؛ زیرا دو ماه مانده به مسابقات فرد جدیدی و سپس افراد جدیدی به فدراسیون وارد می‌شدند و تیم ملی قبل از آن تاریخ سرگردان و پس از آن سرکشته می‌شد و تمرکز خود را در مدت هشت ماه از دست می‌داد.

۲- در طول زمانی که با مربیگری اسکوچیچ تیم ملی به نحو بی‌سابقه‌ای از سقوط نجات پیدا کرد و به‌عنوان تیم اول گروه به جام جهانی صعود کرد، رسانه‌ها ازجمله صداوسیما و روزنامه‌ها به بهانه یک شکست در مسابقه دوستانه اسکوچیچ را زیر سؤال بردند و گفتند تیم ملی به مربی بزرگی احتیاج دارد و شروع به تخریب و تضعیف اسکوچیچ کردند. عیب اسکوچیچ آن بود که زبان تند و تحقیرآمیز نداشت؛ اما با عملکرد خود بزرگی خود را ثابت کرد. تیم در معرض سقوط را تیم اول گروه خود کرد. به دلیل این عملکرد، رسانه‌ها و برخی پیش‌پیشگسوتان و بازیکنان نسبت به سرمربی خود بی‌اعتماد و دل‌نگران شدند.

۳- درحالی‌که هنوز رئیس فدراسیون انتخاب نشده بود، آقای تاج به صورت پنهانی با کی‌روش مذاکره کرد و ظاهراً در همان موقع عقد اخوت بستند. ظاهراً آقای تاج مطمئن بود که رئیس فدراسیون می‌شود و طبق شنیده‌ها برخی مقامات دولتی به بهانه ضرورت پیروزی بر آمریکا خواستار حضور کی‌روش بوده‌اند. هرکس که در ورزش دست‌ی داشته باشد، می‌داند که اگر اصول فراموش شود، توفیق حاصل نمی‌شود. به‌علاوه سیاسی‌کردن یک مسابقه ورزشی خطایی بسیار بزرگ است. می‌خواهیم پس از پیروزی بر آمریکا بگویم ما آمریکا را به زانو درآوردیم. اگر قیاس کنیم، پس انگلیس ما را به زانو درآورد. البته روزنامه کیهان این را تصدیق کرد و نوشت انگلیس، آمریکا، اسرائیل و منافقین داخلی ۶- ایران ۲. این نوشته اعتراف می‌کند که آنها می‌توانند ما را شکست دهند.

۴- درحالی‌که با حضور کی‌روش در ایران هم بسیار تحقیر شده بودیم و هم با شکست ۳ بر صفر از ژاپن خجالت‌زده شدیم، باز هم به سراغ کی‌روش یعنی همان مربی که در مصر و کلمبیا ناموفق بود، رفتیم و اسکوچیچ یعنی مربی معقول و فهمیده را راندیم. آیا این عدول از اخلاق و اصول پیامد ندارد؟ ۵- درحالی‌که پس از مسابقات جام جهانی ۹۸ رهبر انقلاب پیشانی حمید استیلی را بوسیدند و آن‌همه در تشویق فوتبالیست‌ها سخن گفتند، ناگهان یک سخنور بی‌مسئولیت که متأسفانه از سمت برخی مسئولان حمایت می‌شود و خود را متناسب به انقلاب و اسلام و مسئولان کشور معرفی می‌کند، علیه همه فوتبالیست‌ها سخنرانی توهین‌آمیز کرد و آنان را به هرزگی و صفات بد دیگر ملقب کرد و با داشتن مصونیت به سخنتاش ادامه داد. آیا مدعی‌العموم نباید کسی را که تفرقه در جامعه ایجاد می‌کند و همه‌ آتانی را که در یک صنف هستند، نفی کرده و متهم می‌کند، تحت پیگرد قرار دهد. آیا شهرداری که یک بی‌مسئولیت برافروزد، دامن جامعه را نمی‌گیرد.

۶- تیم ملی در شرایطی یا به مسابقه گذاشت که دو ماه از نآزاری‌ها می‌گذشت و طبیعی است که افراد تحت تأثیر قرار بگیرند. اما مگر می‌توان درون افراد را تغییر داد. همین اندازه که در مسابقات حضور فعال دارند، آیا قابل تقدیر نیست؟

۷- آقای کی‌روش، مربسی پخته و کاردان و بزرگ (به قول فدراسیونی‌ها) یکی از بدترین ترکیب‌های خود را رونو بازی حساس و روحیه‌ساز با انگلستان کرد. همه می‌دانند که روزبه چشمی هم در لیگ قبیلی و هم لیگ جاری در پست هافبک دفاعی بوده است؛ زیرا به تصدیق همه کارشناسان فوتبال او ویژگی یک مدافع میانی را ندارد. سرعت و تغییر جهت عامل اصلی موفقیت یک دفاع وسط است؛ ولی آقای کی‌روش او را مدرن‌ترین مدافع می‌شمارد و زوج هماهنگ آماده مدافعان وسط یعنی شجاع خلیل‌زاده و کنعان‌ی زادگان را که در بازی‌های گذشته بهترین عملکرد را داشتند، روی نیمکت می‌خکوب می‌کند. واقعیت این است که تقریباً همه گل‌های انگلستان روی ضعف مفرط دفاع ما صورت گرفت و نه‌فقط مهارت بازیکنان حریف. آیا کی‌روش مقصر نیست؟

ادامه در صفحه ۱۱

گزارشی از قطر و ارزیابی وضعیت فنی تیم ملی پیش از دیدار ایران-ولز

# مستطیل شاد می‌شود؟

گزارش تیریک را در صفحه ۹ بخوانید



عکس: Gettyimages

بررسی جامعه‌شناختی رفتار برخی از مردم بعد از بازی ایران و انگلیس در گفت‌وگو با محمد مهدی رحمتی، جامعه‌شناس

## اسطوره‌سازی از ورزشکاران انتظارات اجتماعی را افزایش می‌دهد

بازخوانی یک پرسش که پاسخ آن می‌تواند یک راهبرد جامعه‌شناختی باشد؛ **چرا مردم شادی نکردند؟**

**فرانک جواهری:** آنچه دوشنبه‌شب در جریان بازی ایران و انگلستان رخ داد، شوکه‌کننده بود. هرچند اگر در ایران امروز زندگی می‌کنید، برایتان قابل درک است که چرا مردمی که سال ۷۶ برای صعود ایران به جام جهانی با شادی به خیابان‌ها آمدند و هنوز از آن روز حرف می‌زنند، امروز برخی از آنها برای شکست تیم شان هورا می‌کشند. فوتبالی که روزی مردم را از سراسر ایران سرشار از شعف می‌کرد، امروز تبدیل به چیزی غیر شده است. در شرایطی که نگرانی از کسبخت و افول اجتماعی شدت گرفته است، آیا این اتفاق نشانه کسبخت اجتماعی بود؟

محمد مهدی رحمتی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کیلان، سال‌هاست روی جامعه‌شناسی ورزش کار کرده است. او هرچند این اتفاق را نگران‌کننده می‌داند، اما معتقد است

### یادداشت

## جام جهانی و«من تومن» من با خویشتن



آرش راهبر

در روزهای اخیر این بنده حقیر با «من» خویش حسایی درگیر نزاع و نصیحت هستم و به‌ویژه بعد از باخت سهمگین تیم ملی فوتبال ایران مقابل منتخب فوتبالیست‌های کپکشانی انگلیس، این کشمکش بدتر هم شده است. در مقام یک روزنامه‌چی ورزشی و فوتبالی که تجربه حضور در بطن یک دوره از جام جهانی را هم دارم (جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان نازناری!)، حقیقتاً رفتاری را که از سوی برخی عموم علاقه‌مندان به فوتبال با تیم ملی می‌شود، نمی‌پسندم و گاهی دلم می‌خواد بروم از بالای پشت بام فریاد بزنم که «برادر، خواهر، آقا و خانم محترم نکندین این کارها را...»؛ و اگر هم صدایم بین همهمه و شادی مردم از باخت تیم ملی گم شد، هم ممکن است خودم را بیندازم پایین بلکه این‌طوری اهمیت حضور و موفقیت در جام جهانی را اثبات کنم؛ اما خب می‌ترسم لاشه بی‌مقدار این حقیر هم وسیله‌ای بشود برای استفاده‌های نادرست بعضی‌ها. از طرفی هم همان «من» خویشتن که هیولای درون شده، به من نهیب می‌زند که مگر تو در مقابل امواج مردم بیش از یک هوادار ساده فوتبال (شما بخوانید خس و خاشاک) هستی و باید مثل خیلی از طرفداران فوتبال که از خیلی چیزها به تنگ آمده‌اند، رفتار کنی و چنین و چنان... خلاصه به قول فوتبالی‌ها «من تومن» عجیبی است! اما خب چه می‌توان کرد که هرچه فکر می‌کنم، بیشتر به این نتیجه می‌رسم که این دیگ (فوتبال ملی در جام جهانی قطر) بیشتر برای مردم خودمان می‌جوشد تا دیگران و طبیعتاً حتی دلم نمی‌خواهد یک تار موی هم در آن بیفتد. به هر حال به چشم خودم می‌بینم که بازیکنان تیم ملی که تخصص‌شان حمل توپ و دریبل و پاس گل‌زدن است و هیچ سررشته‌ای در بازی سیاست ندارند، را چه تفرندهایی سعی می‌کنند همراهی خود را با مردم نشان دهند.

بازیکنانی که در مهم‌ترین رویداد ورزشی سال بیاد حواس‌شان درست در راه تمرکز بر بازی خود و شیوه بازی حریف باشد، باید به این هم فکر کنند که اگر از سمت راست محوطه جریمه وارد شوند، کمتر فحش می‌خورند یا از سمت چپ سانتر کنند! یا اینکه چطور می‌بر سوسه شادی‌کردن به خاطر گل‌زنی در جام جهانی غلبه کنند و حتی پشت دست هم‌تیمی‌شان بزنند که خدای نکرده حواسش پرت شده و از خوشحالی، نیشش تا بناگوش باز است! جان کلام اینکه تیم ملی فوتبال ایران همین حالا در یک جریان تاریخی تاب می‌خورد که در میان سطورش چیزی از سیاست نگاشته نمی‌شود. بگذاریم ستاره‌های ایران آن کاری را که باید و بلد هستند، انجام دهند و ماجراهای سیاسی و اجتماعی را هم از طریق ستاره‌های میدان همین حوزه‌ها دنبال کنیم. اگر هم می‌خواهید بنده حقیر را مورد لطف و عنایت خود قرار دهید، بدانید که ما هم خانه نیستیم و در سنر رسانه و فرهنگ بی‌توته کرده‌ایم.

امیرعبداللهیان از ادامه تبادل پیام با آمریکا خبر داد

## احتمال برگزاری نشست وزرای خارجه عضو برجام در آینده‌ای نزدیک

حسین امیرعبداللهیان از پیشنهاد ایران برای برگزاری نشست وزرای خارجه کشورهای عضو برجام در آینده نزدیک خبر داد و گفت: در آخرین پیام به طرف هماهنگ‌کننده اعلام کردیم که در چارچوب دیدگاه‌های ارائه‌شده چنان‌که طرف‌های مقابل آماده باشند، می‌توانیم در آینده نزدیک نشست وزرای خارجه عضو برجام را در وین برگزار کنیم...

صفحه ۳

«شرق» از دیدار اصلاح‌طلبان

با برخی مقامات کشور گزارش می‌دهد

## زمانی برای آشتی؟

رئیس شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان:

## در ارتباط با نسل جدید

## توسعه نیافته عمل کردیم

نیم‌نگاهی به ایده انتخاب شهردار را رأی مستقیم مردم در طرح مردمی‌سازی حکمرانی

## فصل تازه مناسبات

## شورا و شهردار

نگاهی اجتماعی به ضرورت حمایت از نمادهای ملی در میدان جهانی در گفت‌وگو با عباس عبدی و محمد مہاجری

## در ستایش همبستگی



### یادداشت

## آقای رئیسی درست می‌گوید



سیدشهاب‌الدین طباطبایی

مشغول نوشتن نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه درباره حوادث تلخ این روزها بودم که جمله امروز آقای ابراهیم رئیسی با وجود تکراری‌بودنش در این شصت‌وچند روز، به دلیل دیگری داغ دلم را تازه کرد. برای چندمین بار فرموده‌اند: «دولت برای شنّیدن حرف معترض و مخالف گوش شنونا دارد؛ اما اغتشاش مانع گفت‌وگو است». شهریور سال گذشته در جلسه جمعی از مدیران رسانه‌ها با ایشان، در نوبت صحبتم سه نکته را صریح، شفاف و بی‌ابهام عرض کردم. طبق معمول، اول تأکید کردم کشور ذره‌ای فرصت برای تعلل و آزمون و خطا ندارد، مردم خسته‌اند و منتظر گشایش و اگر نشود، هیچ عذری پذیرفتنی نیست.دوم درباره استفاده از نیروهایی فقط با ظاهر انقلابی و حزب‌اللهی گفتم، که هرکه ریش داشت و تظاهر کرد و بیشتر شعارهای تند داد و بقیه را متهم کرد، به درد کار نمی‌خورد. مردم به این چیزها کار ندارند، از شما تحقق وعده‌ها و رفاه می‌خواهند.آخرش هم به طور مشخص درباره وزارت راه و شهرسازی و وعده چهار میلیون مسکن و وضعیت بلاتکلیف آقای رستم قاسمی گفتم، آن‌قدر صریح و شمرده گفتم که همه یادشان ماند.گفتم ایشان غیر از آنکه انگیزه‌ای برای اداره این حوزه ندارند، درگیر بیماری هستند که ان‌شاءالله شفا پیدا کنند؛ اما آنچه ما شنیده‌ایم و از داخل وزارتخانه می‌گویند، این است که این وزیر محال است تعهد و وعده سنگین دولت به مردم را به جایی برساند، وقت می‌گذرد و کاری پیش نمی‌رود و همین امید اندک مردم هم آسیب می‌بیند.

ادامه در صفحه ۵

### دوست ارجمند

## جناب آقای فرشید گل‌زاده کرمانی

درگذشت پدر بزرگوارتان را به جناب‌عالی

و همه بازماندگان تسلیت می‌گویم

و برایتان آرزومند شکیبایی هستیم.

**مر قرضی احمدی، علی تو کلی، کاوه ثروتی، خدیجه جدا**

**علیر ضا جلالی ندوشن، نفیسه زارع کهن، علی سرز عیم**

**شمس‌الدین سیاسی‌راد، علیرضا سیاسی‌راد، حامدشجاعی**

**حجت شریفی، مجید فراهانی، رضا محبی، حجت میرزایی**

**مهدی نادمی، علی اعطا**

ادامه در صفحه ۱۱